



عهد و گفتگو

تفسیر هفتگی تورات

از درسگفتارها و نوشتارهای ربای لرد جانانان ساکس

Jonathan Sacks
THE RABBI SACKS LEGACY

با سپاس از Schimmel Family برای حمایت سخاوتمندانه از عهد و گفتگو به نکوداشت یاد Harry (Chaim) Schimmel. "من از همان بار اول که با نسخه تفسیر توره ربای خیم شیمل روبرو شدم تا اکنون، آنرا عزیز داشته ام. هدف آن نه فقط نشان دادن حقیقت ظاهری متن توره، بلکه رسیدن به حقیقت ژرفتری است که در آن نهفته است. او به همراه همسر ستودنی اش آنا در شصت سال زندگی مشترک، یک زندگی سرشار از عشق به خانواده، اجتماع و تورات ساختند. زوج بیمانندی که با نمونه زندگی خود، بینهایت الهام بخش من بوده اند."

"- ربای ساکس

مجموعه مقالات امسال در ابتدا توسط زنده نام ربای ساکس در سال ۵۷۷۲ (۲۰۱۱-۲۰۱۲) نوشته شده است.

تفسیر هفتگی توره

The Parameters of Justice

Ki Teitse

کی تیتسه: مؤلفه های عدالت

در باب ۲۴ تشیه برای نخستین بار با بیان روشنی از قانونی مهم و تأثیرگذار روبه رو می شویم:

نباید والدین را به خاطر فرزندشان به مرگ محکوم کرد: هر فرد فقط برای جنایتی که خودش مرتکب شده

باید مجازات مرگ بگیرد. تشیه ۲۴:۱۶

ما شواهد تاریخی قوی داریم که این قانون چیزی به نام مجازات پیروزمندانه را لغو کرد: این ایده که فرد دیگری برای جنایتی که دیگری مرتکب شده باید مجازات شود:

برای نمونه، در قوانین آشور میانه، تجاوز به دختر باکره عقد نشده که در خانه پدرش زندگی می کند از راه تجاوز به همسر تجاوز کننده که از آن پس در خانه پدر قربانی خواهد ماند، مجازات می شود. حمورابی حکم می کند که اگر مردی زنی حامله را ضرب و شتم کند. دختر فرد ضارب به مرگ محکوم می شود.

اگر بنایی خانه ای بنا کند و آن خانه فروبریزد، پسر صاحب خانه و سپس پسر بنا و نه خود بنا به مرگ محکوم می شوند.

ناحوم سارنا، "کاوش در سفر خروج"، ص ۱۷۶

همچنین در تورات شواهدی داریم نشانگر این که چگونه قوانین موسی اجرا می شدند. یوآش یکی از پادشاهان راستوار یهودا، تصمیم به ریشه کن سازی فساد در میان کوهنیم گرفت و به دست دو تن از کارمندانش به قتل رسید. پسر او آموزیه جانشینش شد که درباره اش می خوانیم:

پس از آنکه سلطنت آموزیه محکم شد، آن کارمندانی را که پدر پادشاه او را کشته بود، اعدام کرد. اما بر اساس کتاب قوانین موسی که در آها آمده بود: "پدران نباید به خاطر فرزندانشان به مرگ محکوم شوند، و فرزندان نباید به خاطر پدرانشان به مرگ محکوم شوند؛ هر کس به گناه خودش می میرد." او پسران قاتلان را نکشت. کتاب دوم پادشاهان ۵-۶: ۱۴

اما پرسش آشکار چنین است: چگونه این اصل با این ایده که چهار بار در کتاب های قانون موسی تکرار شده اند، همخوان می شود که فرزندان ممکن است به سبب گناهان والدین خود رنج بکشند؟ خداوند، خدای رحیم و بخشنده، دیرخشم، پر مهر و احسان، عشق را تا هزارها حفظ می کند و شرارت، عصیان و گناه را می بخشد. با این حال او فرد مقصر را بی مجازات نمی گذارد. خداوند، فرزندان و فرزندانِ فرزندانِ پدرانِ گناهکار را تا نسل سوم و چهارم مجازات می کند. "خروج ۷: ۳۴؛ همچنین نگاه کنید به خروج ۵: ۲۰؛ اعداد ۱۸: ۱۴؛ تثییه ۸: ۵)

پاسخ کوتاه، ساده است: این فرق میان عدالت انسانی و عدالت الهی است. ما خدا نیستیم. همچنین نمی توانیم از قلب خطاکاران باخبر باشیم و پیامدهای کامل اعمال آنها را بدانیم. به ما نیامده که عدالت کامل را اجرا کنیم و شری که کسی قربانی آن شده را با شری که پدید آورده، مقایسه کنیم. حتی نمی دانیم از کجا شروع کنیم. چگونه یک دیکتاتور را که مسئول مرگ میلیون ها انسان است، مجازات کنیم؟ چگونه می توان تأثیر مخرب و کامل تصادف یک راننده ی مست را محاسبه کنیم، در حالی که نه فقط قربانی، بلکه تمام خانواده ی او برای باقی عمرشان تحت تأثیر قرار گرفته اند؟ ما چگونه ارزیابی کنیم درجه ی شراکت در جرم آن آلمانی هایی را که می دانستند در طول هولاکاست چه می گذشت، اما اعتراضی نکردند؟ تقصیر اخلاقی، مفهومی پس فراتر از آن است که بتوان با تقصیر قانونی سنجیده شود.

عدالت انسانی باید درون مؤلفه های فهم و قاعده گزاری انسانی کار کند. به این سبب این قانون صریح وضع شده: مجازات نیابتی نداریم. تنها مجرم باید مجازات شود و آن هم پس از اثبات جرم در جریان محاکمه ای عادلانه. این اصل اساسی برای نخستین بار در سفر تثئیه ۲۴:۱۶ وضع شد.

اما موضوع به همین جا ختم نشد. در کتاب های دو نبی بعدی، یرمیا و حزقیال، پیدایش مجدد این ایده را می بینیم که فرزندان از گناهان والدین رنج خواهند کشید، حتی وقتی پای عدالت الهی در میان است. اینجا یرمیا از جانب خدا سخن می گوید:

در آن روزها مردم دیگر نخواهند گفت: "پدران انگور ترش خوردند و دندان فرزندان گُند شد." بلکه، هر کس به گناه خودش خواهد مرد؛ هر کس انگور ترش بخورد، دندان خودش گُند می شود. یرمیا ۲۹-۳۰: ۳۱ و این گفته ی حزقیال:

کلام خدا چنین به من رسید: "ای مردم از نقل قول امثال سلیمان پیرامون سرزمین اسرائیل چه منظوری دارید که می گوئید: "پدران انگور ترش خوردند و دندان فرزندان گُند شد؟" خداوند متعال اعلام می کند همان گونه که من قطعاً زنده ام، دیگر در میان اسرائیل این مَثَل را تکرار نخواهید کرد. زیرا هر جان زنده ای به من تعلق دارد، هم پدر و هم فرزند هر دو یکسان به من تعلق دارند. جانی که گناه می کند، همان کسی است که خواهد مرد." حزقیال ۱-۳: ۱۸

تلمود (رساله ی مکوت ۲۴ الف) این پرسش آشکار را می پرسد: اگر حزقیال درست می گوید پس این ایده که فرزندان تا سه و چهار نسل بعد مجازات می شوند، چه می شود؟ پاسخ آن خیره کننده است:

ربی یوسی بن حننا گفت: معلم ما موسی چهار حکم به بنی اسرائیل داد که چهار نبی آمدند و آنرا باطل ساختند... موسی گفت: "او فرزندان و فرزندان فرزندان را برای گناهان پدرشان تا سه و چهار نسل مجازات خواهد کرد." حزقیال آمد و اعلام کرد: "جانی که مرتکب گناه می شود، همان است که خواهد مرد." موسی حکم کرد، اما حزقیال آمد و حکم او را باطل ساخت!

بی تردید، این موضوعی ساده نیست. از اینها گذشته، این نه موسی، بلکه خدا بود که چنین حکم کرد. حکیمان تلمودی از این گفته چه منظوری دارند؟

به نظر من منظور آنها این است که مفهوم عدالت کامل به دلایلی که گفته شد، ورای فهم انسانی است. هیچ گاه نمی توان درجه‌ی تقصیر را دانست. همچنین هیچ گاه از گستره‌ی مسئولیت فرد نمی توان مطمئن بود. میشنا در رساله‌ی سنهدرین ۴:۵ می گوید که به شاهد در محاکمه‌ی جرم های شامل اشد مجازات با جدیت هشدار داده می شد که با شهادت دروغ او یک فرد به اشتباه به مرگ محکوم می شود و در این صورت، شاهد "مسئول خون متهم و احتمالاً خون فرزندان او تا ابد خواهد بود." همچنین، وقتی از مشیت الهی سخن می گوئیم، همواره می توانیم مجازات را از پیامدهای طبیعی متمایز سازیم. یک مادر معتاد، فرزندی معتاد به دنیا می آورد. یک پدر خشن، مورد حمله‌ی پسر خشن خود قرار می گیرد. آیا این تلافی است، یا ژنتیک و یا تأثیر محیط؟ وقتی حکم خدا مطرح است، برخلاف عدالت انسانی، هرگز نمی توانیم ورای فهمی ابتدایی برویم.

دو نکته در کلام خدا به موسی روشن است. نخست، او خدای رحیم، ولی همچنین، خدای عادل است – زیرا بدون عدالت، آشوب به راه می افتد، اما بدون رحم و بخشندگی، نه انسانیت باقی می ماند و نه امیدواری. دوم، در تنش میان این دو ارزش، رحم خداوند از عدالت او بسی پیشی می گیرد. رحم او برای ابد است (تا هزاران نسل). عدالت او تنها به عمر گناهکار محدود است: "نسل سوم تا چهارم او" (نوه ها و نتیجه های او) محدوده‌ی نسل هایی است که یک انسان در زندگی خود می بیند.

منظور یرمیا و حزقیال، چیز دیگری است. آنها از سرنوشت یک ملت می گویند. هر دو در دوران تبعید بابل می زیستند. آنها با روحیه‌ی ناامیدی در میان مردم می جنگیدند. مردم می گفتند: "چه کاری از ما ساخته است؟ ما برای گناهان نیاکانمان مجازات شده ایم." انبیاء گفتند: چنین نیست. سرنوشت هر نسل در دستان همان نسل است. توبه کنید و بخشیده خواهید شد، گناهان گذشته هر چه می خواهند باشند، چه گناهان شما، چه گناهان پیشینیان شما.

عدالت، پدیده‌ای پیچیده است و عدالت الهی بینهایت پیچیده تر. اما یک امر آشکار است. موسی، یرمیا و حزقیال در مورد عدالت انسانی همگی بر سر یک نکته توافق دارند: فرزندان به سبب گناهان والدین خود مجازات نمی شوند. مجازات نیابتی، به بیان ساده، ناعادلانه است.

شبات شالوم

ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی -
آمریکایی

توسط شیریندخت دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian



www.RabbiSacks.org

[f](#) [t](#) [@](#) [v](#) @RabbiSacks

The Rabbi Sacks Legacy Trust, PO Box 72007, London, NW6 6RW • +44 (0)20 7286 6391 • info@rabbisacks.org

© Rabbi Sacks • All rights reserved